پژوهشنامه خراسان بزرگ

شماره ۴۶ بهار ۱۴۰۱

No.46 Spring 2022

۵۶-۴۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۳

بررسی عوامل مؤثر بر کنترل مرز در مرزهای شرقی ایران (نمونه موردی: مرز استان خراسان رضوی با افغانستان)

➢ **محسن جان‌پرور***: استادیار، گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

➢ **ساجد بهرامی جاف**: دانشجوی دکتری، گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران (S.Bahrami@um.ac.ir)

➢ **امین مرادی**: دانشجوی دکتری، گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران (Am.moradi@um.ac.ir)

➢ **مریم تک روستا**: کارشناسی ارشد، گروه برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (M.Takroosta@yhoo.com)

چکیده

ایران به دلیل برخورداری از مرزهای طولانی و تعدد همسایگان در مسائل مرتبط با کنترل مرزها از اهمیت برجسته‌ای برخوردار است. نگاهی کلی به مناطق مرزی کشور نشان‌دهنده عوامل متعددی است که کنترل مرزهای کشور را با چالش مواجه و زمینه بروز مشکلات عدیده‌ای را فراهم نموده است، چنانکه با شناخت بهتر آن‌ها می‌توان گامی در جهت کاهش این مشکلات برداشت؛ و مرزهای کشور را بهتر کنترل کرد. پژوهش حاضر با هدف کاربردی و روش توصیفی-تحلیلی به دنبال بررسی عوامل مؤثر بر کنترل مرز در استان خراسان رضوی با کشور افغانستان است. برای گردآوری اطلاعات از دو شیوهٔ کتابخانه-ای و پیمایشی بهره گرفته شده است. جامعه آماری پژوهش متشکل از ۱۳ کارشناس در زمینه‌های جغرافیایی سیاسی، علوم سیاسی و مرزبانان است. در بخش بعدی به‌منظور تحلیل یافته‌های پرسش‌نامه از نرم‌افزار SPSS و PLS استفاده شده است. نتایج یافته‌های میدانی در بخش آزمون T نشان داد که شاخص کلی کنترل مرز بر اساس ابعاد شکل‌گرفته با امتیاز میانگین ۳٫۵۵ نشان از تأثیر مثبت ابعاد مطرح‌شده بر کنترل مرز در محدوده موردبررسی داشت. در بخش یافته‌های مرتبط با روش حداقل مربعات جزئی (PLS) نشان داد که ضرایب مسیر برای ابعاد اقتصادی و اجتماعی به ترتیب با امتیازهای ۰٫۲۴۸ و ۰٫۲۴۴ بیشترین مقدار همبستگی و برای ابعاد جمعیتی و سیاسی به ترتیب با امتیازهای ۰٫۱۷۸ و ۰٫۱۹۱ کمترین مقدار همبستگی را با کنترل مرز داشته‌اند.

واژگان کلیدی: مرز، کنترل مرز، خراسان رضوی، افغانستان، مناطق مرزی

Abstract

Due to its long borders and multiplicity of neighbors, issues related to border control have been of great importance to Iran. An overview of the border areas of the country shows several factors that have challenged the control of the country's borders and have provided the basis for many problems, so that by better understanding them, a step can be taken to reduce these problems; And better controlled the country's borders .The present study with the aim of application and descriptive-analytical method seeks to investigate the factors affecting border control in Khorasan Razavi province with Afghanistan. For data collection, two methods of library and survey have been taken. The statistical population of the study consists of 13 experts in the fields of political geography, political science and border guards. In the next section, SPSS and PLS software were used to analyze the findings of the questionnaire. The results of the field findings in the T-test section show that the general border control index is based on the indicators formed with a scale of 3. In the sections related to partial least squares (PLS) methods, it shows the economic and social path coefficients with scores of 0.248 and 0.244. The highest correlation and demographic and political ratios with scores of 0.178 and 0.191, respectively, had the lowest correlation with border control.

Keywords: border, border control, Khorasan Razavi, Afghanistan, border areas

*نویسنده مسئول مکاتبات: (janparvar@um.ac.ir)

مقدمه

مرزهای بین‌المللی در درجه اول دارای یک نقش اساسی بودند و آن‌هم تحدید حدود منطقه‌ای است که در داخل آن یک نوع قدرت اعمال می‌شود، اما با گذشت زمان دولت‌ها تلاش کردند تا نقش‌های مهمی دیگری هم مثل مهاجرت، تجارت، بهداشت و غیره را در منطقه اعمال نمایند (Perescott,1987: 55). با جهانی‌شدن ارتباطات و اطلاعات و جهانی‌شدن اقتصاد و بازار، ما شاهد تعریف کارکردهای جدیدی برای مرزها هستیم؛ از این‌رو، کشورها تلاش می‌کنند تا با تغییر کارکرد دفاعی-امنیتی مرزها و تبدیل آن به کارکرد ارتباطی و تجاری، از متغیر توسعه برای برقراری امنیت استفاده نمایند (زرقانی و همکارن، ۱۳۹۳: ۱۷۶). مرزهای سیاسی بین‌المللی خطوطی اعتباری و قراردادی هستند که به‌منظور تحدید حدود واحدهای سیاسی بر روی زمین مشخص می‌شوند. این خطوط، ضمن تعیین حدود قلمرو حکومت، تعیین‌کننده اختیارات دولت آن حکومت نیز هستند؛ بنابراین مرزها از مباحث اصلی جغرافیای سیاسی به‌شمار می‌روند (میرحیدر و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۱۳). تحولات قرن حاضر در عرصه جهانی نظیر جهانی‌شدن، ورود به عصر اطلاعات و پیشرفت در زمینه فناوری‌های تسلیحاتی و نظامی مرزها، همچنان یکی از نقاط اولیه شروع جنگ‌ها و سایر آسیب‌پذیری‌ها نظیر ورود افراد تروریست، مواد مخدر، قاچاق کالا، ورود بیماری‌ها و غیره به کشورها هستند. این موضوع سبب شده که مرزهای سیاسی بین‌المللی همچنان دارای اهمیت برای کشورها باشند و حکومت‌ها به صورت‌های مختلف برای کنترل آن‌ها با هدف کاهش آسیب‌پذیری کشور در سطوح مختلف محلی و ملی سعی کنند (جان‌پرور، ۱۳۹٦: ۹٦). یکی از مباحث مهم در ارتباط با مرزهای بین‌المللی، کنترل و مراقبت از آن‌ها است، به‌ویژه در مناطق پرتنش و نابسامان (Glassner, 2004: 80). مرزها هم می‌توانند مانعی در برابر توسعه و یکپارچه‌ی نواحی مرزی باشد و هم به‌عنوان پلی ارتباطی زمینه تعاملات و پیوند دو طرف مرز را فراهم کنند (Chen, 2006: 25). به‌طورکلی مرزها به‌عنوان عامل جدایی میان فرهنگ‌ها، زبان و دولت‌ها شناخته می‌شوند، در قرن شانزدهم و هفدهم میلادی ایده مرزهای طبیعی بر تمام جنبه‌های مفهوم مرز تسلط داشت.

مرزها دلیلی برای افزایش همبستگی میان جغرافیای سیاسی و جغرافیای فیزیکی به‌عنوان فضای سیاسی ایدئال هستند (Troebst, 2010: 10). کنترل و نگهبانی از مرزهای سیاسی در مناطق پرتنش و نابسامان امری حساس و خطیر برای حکومت‌های سرزمینی محسوب می‌شود (بهرامی جاف و همکاران، ۱۳۹۹: ۴). در این میان کشور ایران به دلیل واقع‌شدن در منطقه پرتنش و پرخطر جنوب غرب آسیا، داشتن مرزهای طولانی دریایی و خشکی، همسایه بودن با بیش از ۱۵ کشور و چندین منطقه خودمختار، تنوع قومی و مذهبی در جداره مرزها، تنوع اقلیمی و نیز بی‌ثباتی سیاسی برخی از کشورهای همسایه آن باعث شده که مسائل مرتبط با کنترل مرزها از اهمیت برجسته‌ای در مسائل مرزی برخوردار باشد (بهرامی جاف و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۹). نگاهی کلی به مناطق مرزی کشور نشان‌دهنده عوامل متعددی است که کنترل مرزهای کشور را با چالش مواجه کرده و زمینه بروز مشکلات عدیده‌ای را فراهم نموده که با شناخت و درک بهتر آن‌ها می‌توان گامی جهت کاهش این مشکلات برداشت و مرزهای کشور را بهتر کنترل کرد. در کنترل مرزها عوامل متعددی دخیل هستند و بنا به فراخور هر منطقه مرزی متفاوت از یکدیگر می‌باشند که باید در مطالعات در این زمینه در نظر گرفته شود.

مبانی نظری

صاحب‌نظران درباره مرز دیدگاه‌های مختلفی دارند. برخی مرز را برخاسته از تمایل غریزی انسان به اعمال نظارت انحصاری بر بخشی از فضا می‌دانند که بر آن اصطلاحاً قلمروخواهی انسانی می‌گویند، درحالی‌که برخی دیگر مانند دیوید ام اسمیت تشابه میان قلمروخواهی انسان و قلمروخواهی حیوان را مردود می‌دانند و معتقدند تمایل به داشتن قلمرو نه‌تنها دلیل اهمیت از نظر مادی بلکه وسیله‌ای برای نیل به اهداف دیگری مانند ادامه بقا، سلطه سیاسی یا بیگانه‌ستیزی است (بهرامی جاف و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۸). افرادی مانند رابرت ساک نیز تحدید حدود و نظارت بر یک منطقه جغرافیایی را تلاش فرد یا یک گروه به‌منظور تأثیرگذاری یا اعمال‌نفوذ روی مردم، پدیده‌ها و روابط میان آن‌ها می‌دانند (مویر، ۱۳۹۲: ۲۰-۱۴). به‌رغم دیدگاه‌های متفاوت، می‌توان گفت، مفهوم مرز برخاسته از تفاوت

است. تفاوت بین دو شخص، دو پدیده و غیره که باهم برخورد می‌کنند و درنتیجه آن یک فصل مشترک یا نقطه تماس میان آن‌ها به وجود می‌آید که اصطلاحاً مرز میان آن‌ها نامیده می‌شود (جانپرور و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۲). در این بین ژان گاتمن، جدایی‌های سیاسی را در گروه‌های انسانی بررسی کرد و متوجه شد یک نیروی معنوی در محیط انسانی وجود دارد که با ظرافت، افراد را در یک گروه انسانی گرد هم می‌آورد از دیگر گروه‌ها جدا و به یک ملت یکپارچه تبدیل می‌کند (حافظ‌نیا و جان‌پرور، ۱۳۹۲: ۲۶-۲۵). مرزها دارای دو نوع کارکرد ذاتی و اکتسابی هستند، کارکرد ذاتی مرزها به‌صورت ثابت بوده که این مسئله ناشی از ماهیت فلسفی مرزها است. همانند کارکرد تفکیک سرزمین و حاکمیت که در طول زمان ثابت بوده و مناطق و حکومت‌ها را از هم مجزا می‌سازد (Janparvar, 2017: 59) از سوی دیگر کارکردهای اکتسابی متناسب با زمان، نیازها و اهداف کشور، تحولات فناوری و غیره به مرزها داده می‌شوند و با گذشت زمان یا تغییر در اهداف و نیازها یا فناوری‌های موجود دچار تغییر شده و کمرنگ یا پررنگ می‌شوند و یا اینکه به‌صورت کامل از بین می‌روند. (Janparvar et al, 2021) در این میان کارکرد اقتصادی یکی از کارکردهای اکتسابی مرزها به شمار می‌رود. هر حکومت در فضای جغرافیایی سرزمین خود دارای یک سیستم اقتصادی خاص است که متناسب با ظرفیت‌ها و نیازهای آن فضای جغرافیایی و توانایی‌های سیستم حکومتی جهت پاسخ‌دهی به نیازهای شهروندان آن نظیر اشتغال و غیره شکل گرفته است. برای حفظ این سیستم اقتصادی و تحت تأثیر قرار نگرفتن ناشی از جریان کالاها و افراد از سایر کشورها، حکومت‌ها کارکرد اقتصادی را برای مرزهای خود تعریف می‌کنند (جانپرور و همکاران، ۱۴۰۰: ۶۷). در این راستا مرز ممکن است جداکننده یا پیونددهنده باشد، اما بیشتر اوقات مشاهده می‌شود که هر دو کارکرد را به‌صورت همزمان دارند. از سوی دیگر باید توجه داشت، مرزها تاکنون کارکردهای مختلفی به خود گرفته‌اند و به‌مرور زمان این کارکردها تضعیف و یا تقویت و یا تغییر کرده است (Rumley and Minghi, 1991: 41). از نگاه کلی، کارکرد مرزها را می‌توان در موارد زیر دسته‌بندی کرد: ایجادکننده تمایز میان دو فضای جغرافیایی، خطوط جداکننده قلمرو حاکمیت‌ها، یکپارچه کننده ملت، خط جنگ و صلح میان دولت‌ها، خط تعامل و اتصال میان دولت‌ها، خط کنترل کالاها و اجناس (حافظ‌نیا، ۱۳۹۷: ۱۹). کنترل مرز اغلب به روش‌ها و فناوری‌هایی اشاره دارد که به افراد، دولت‌ها و حکومت‌ها کمک می‌کند تا مسائل مرزی، عبور و مرور افراد و کالاها، استفاده بهینه از منابع مشترک و غیره را منطبق با قوانین و مقررات کشور انجام دهند (Heinesson, 2009: 11). حفاظت و نگهداری مرز می‌تواند خود دارای بخش‌بندی‌هایی به‌صورت زیر باشد: ۱. حفاظت و نگهداری نظامی از مرزها. ۲. حفاظت و نگهداری نظامی-امنیتی مرزها. ۳. حفاظت و نگهداری امنیتی مرزها. ۴. حفاظت و نگهداری امنیتی-اقتصادی مرزها. ۴. حفاظت و نگهداری اقتصادی مرزها (جان‌پرور، ۱۳۹۶، ۱۲۹-۱۲۸). پیتر هاگت، با ارائه مدلی از کشورهای محصور در خشکی با عنوان «های‌پوتیتکا» ده محور جغرافیایی بالقوه دردسرزا را که موجب منازعه و مشاجره کشورهای همسایه می‌شوند را تشریح کرده است (هاگت، ۱۳۹۲: ۳۷۲-۳۷۰).

سافر در ۱۹۹٤م ارتباطات در امتداد مرز بین دو کشور مجاور با سابقه تاریخی درگیری بین آن‌ها را موردبررسی قرار می‌دهد. او مدل هاوس را به‌عنوان ابزاری برای آزمایش مورداستفاده قرار داده اما از همه جنبه‌های جریان فعل و انفعالاتی به دلیل عدم وجود اطلاعات کافی در منطقه موردمطالعه یعنی مرز بین رژیم صهیونیستی و لبنان پیروی نمی‌کند. بااین‌حال، او مرز رژیم صهیونیستی با لبنان را که شامل منطقه امنیتی تحت اشغال این رژیم است را به‌عنوان منطقه موردمطالعه انتخاب می‌کند. سافر در مطالعه خود روی تعاملات مردم، تجارت، استفاده از زیرساخت‌ها و تماس‌های دولت در سراسر مرز را موردبررسی قرار می‌دهد. مفهوم اصلی در مدل سافر عبارت است از اینکه، جایی که در دو طرف مرز یک اقلیت زندگی می‌کنند باید انتظار برقراری روابط نزدیک‌بین آن‌ها را داشت، حتی اگر مرز بین دو کشور مهر و موم شده و دشمنانه باشند. سافر در کار خود به این نتیجه می‌رسد که روابط بین دو کشور، وابسته به قدرت اتصال منطقه مرزی و اندازه جمعیت اقلیتی که در دو طرف مرز زندگی می‌کنند، می‌باشد (جان‌پرور، ۱۳۹۱: ٤۳-٤۲، به نقل از: Soffer,

1994). مارتینز در ۱۹۹٤م استدلال کرد که وضعیت توپوگرافی منطقه مرزی و انسانی موجود در دو طرف مرز هر کشور سبب توسعه و یا ایجاد مانع در روابط بین دو کشور می‌شود. بر پایه این استدلال مارتینز تعامل در مناطق مرزی را به چهار سناریوی مترقی تقسیم کرد که به‌صورت زیر می‌باشد: منطقه مرزی بیگانه[1]، منطقه مرزی همراه[2]، منطقه مرزی وابسته و منطقه مرزی یکپارچه (افشردی و جان‌پرور، ۱۳۹۲: ۷۲-۷۱، برگرفته از: Martinez, 1994). همان‌طور که در نظریه مارتینز مشخص می‌شود به هر میزان مناطق مرزی به‌سوی یکپارچگی پیش بروند زمینه برای تعامل در مناطق مرزی بیشتر فراهم می‌شود و از سوی دیگر کنترل مرزها سخت‌تر می‌شوند (جان‌پرور، ۱۳۹٦: ۱۸۲). جونز و وایلد بر اساس نظریه‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای و نظریه‌های نایلز هانسن در رابطه با مناطق مرزی، مطالعاتی موردی در چند منطقه واقع در دو سوی مرز سیاسی پیشین میان دو آلمان انجام دادند و خصوصیاتی برای این مناطق استخراج و تدوین کردند (Janparvar et al, 2021). این خصوصیات به شرح زیر است: ۱. مناطق مرزی به‌عنوان منطقه حاشیه‌ای و توسعه‌نیافته باقی می‌ماند، حتی در کشور پیشرفته‌تری، مانند آلمان غربی. ۲. اگرچه حاشیه بودن می‌تواند معلول شرایط جغرافیایی این مناطق باشد، اما پدیدهٔ مرزی بودن، بسیاری از امکانات و فعالیت‌های آن منطقه را مضمحل می‌سازد. ۳. برقراری مرز میان دو کشور، تداوم و پیوستگی فضایی که به‌طور اصولی فضاهای توسعهٔ دو کشور را به یکدیگر پیوند می‌دهد را از هم می‌گسلد و هر دو منطقه واقع در دو سوی مرز، به دلیل قطع پیوستگی فضایی، حاشیه‌ای می‌شوند. ٤. مناطقی که قبل از برقراری مرز، از نظر فضایی و فعالیت به همدیگر متصل بوده‌اند، از همدیگر جدا و حاشیه‌ای می‌شوند (جانپرور و همکاران، ۱٤۰۰: ۱۱۲۵). علت عقب‌ماندگی این نواحی مرزی نیز حاشیه‌ای شدن آن‌ها است. بنابراین، فضای توسعه، زیست و فعالیت که قبل از کشیدن مرز میان دو آلمان پیوسته بوده و مبادلات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی در دو سوی آن میان شرق و غرب نه‌تنها کشور آلمان بلکه کل اروپا برقرار بوده است، با کشیدن مرز قطع می‌شود و شکاف بر چهرهٔ آلمان واحد و اروپای یکپارچه وارد می‌کند (نیومن و تورنلی، ۱۳۸۷: ۲۸٤).



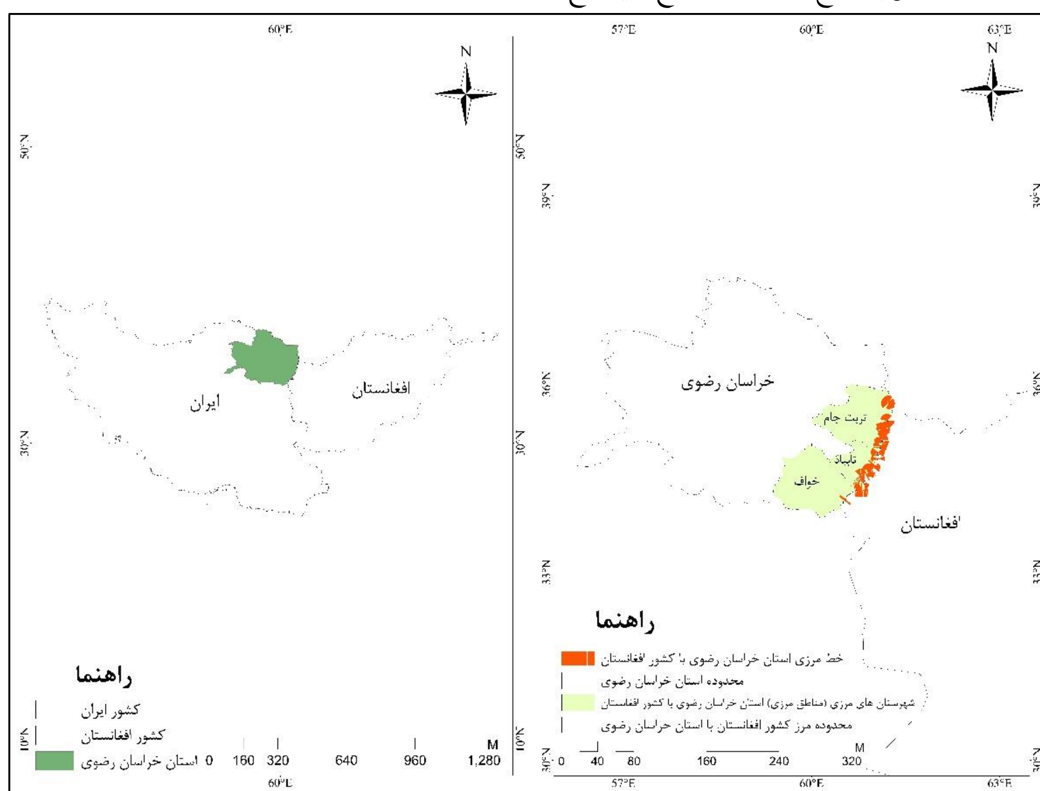
شکل ۱: مدل نظری پژوهش (جان‌پرور، ۱۳۹٦: ۸۵)

1 . Alienated borderlands

2 . Coexistent borderlands

منطقه موردمطالعه

استان خراسان رضوی بخشی از استان پهناور خراسان است که با مصوبه دولت در ۱۳۸۳ش و پس از تقسیم خراسان به سه قسمت شمالی، رضوی و جنوبی ایجاد شده است. این استان در ۱۳۹۱ش بیش از ۱۱۶۰۰۰ کیلومترمربع وسعت داشته که بین مدار جغرافیایی ۳۳ درجه و ۵۲ دقیقه تا ۳۷ درجه و ۴۲ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۵۶ درجه و ۱۹ دقیقه تا ۶۱ درجه و ۱۶ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار گرفته است. استان خراسان رضوی از شمال و شمال شرق به طول حدود ۵۳۱,۶ کیلومتر دارای مرز مشترک با کشور ترکمنستان و از شرق به طول حدود ۳۰۲ کیلومتر مرز مشترک با کشور افغانستان دارد و ازلحاظ مرزهای داخلی از شمال غربی با استان خراسان شمالی، از جنوب با استان خراسان جنوبی و از غرب و نیمه شمال غربی به استان‌های یزد و سمنان محدود می‌باشد. ارتفاعات خراسان رضوی را می‌توان به ارتفاعات شمالی و جنوبی تفکیک کرد. ارتفاعات شمال خراسان رضوی عموماً شرقي-غربی هستند. حال‌آنکه ارتفاعات جنوب، امتداد شمالی-جنوبی دارند. بلندترین نقطه استان، قله بینالود در ۳۶۱۵ متری و پست‌ترین نقطه استان در دشت سرخس با ارتفاع ۲۹۹ متر از سطح دریا واقع شده است. بر اساس آخرین تقسیمات کشوری، استان خراسان رضوی در ۱۳۹۸ش دارای ۲۹ شهرستان، ۷۲ بخش، ۷۹ شهر و ۱۶۶ دهستان بوده است. استان خراسان رضوی از تنوع اقلیمی برخوردار است، اما به‌طورکلی جزو مناطق نیمه‌خشک کشور به شمار می‌رود. بر اساس طبقه‌بندی اقلیمی دومارتن شهرستان‌های درگز، قوچان، نیشابور، جوین، جغتای، تربت‌جام و تایباد دارای اقلیم نیمه‌خشک و شهرستان‌های مشهد، سرخس، فریمان و نواحی جنوبی استان دارای اقلیم خشک می‌باشد. لذا اقلیم استان خراسان رضوی به دلیل آنکه مقادیر ضریب خشکی آن در طبقه‌بندی اقلیمی یک و دو قرار می‌گیرد دارای اقلیم خشک و نیمه‌خشک می‌باشد، اما این استان از نظر بارندگی و رطوبت دارای اقلیم نیمه‌خشک می‌باشد بر اساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در آبان ۱۳۹۵ جمعیت استان برابر با ۶,۴۳۴,۵۰۱ نفر بوده است. درصد جمعیت ساکن در نقاط شهری و روستایی استان به ترتیب ۷۳ و ۲۶,۹ درصد بوده است. سه شهرستان تربت‌جام، تایباد و خواف دارای مرز مشترک با کشور افغانستان می‌باشند (سالنامه آماری، ۱۳۹۸).



شکل ۲: نقشه محدوده موردمطالعه (مأخذ: نگارندگان)

روش پژوهش

پژوهش حاضر ازلحاظ هدف کاربردی و از حیث روش گردآوری اطلاعات، توصیفی-تحلیلی است. برای گردآوری اطلاعات در بخش نظری از روش اسنادی و در بخش میدانی از روش پیمایش مبتنی بر پرسش‌نامه بهره گرفته شده است. در بخش اول با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای، نظریاتی را که در زمینه کنترل مرز بود احصا و در قالب پرسش‌نامه در اختیار نخبگان دانشگاهی و مرزبانان قرار گرفت که متشکل از ۱۳ کارشناس در زمینه‌های جغرافیایی سیاسی-علوم سیاسی بوده‌اند قرار گرفت و درنهایت نظرات این کارشناسان به‌صورت جدول شماره ۲ به دست آمد. در مرحله بعد به‌منظور اولویت‌بندی متغیرهای به‌دست‌آمده پرسشنامه‌ای به‌صورت بسته با طرح این سؤال در مورد هرکدام از گزینه که کدام‌یک از متغیرهای مطرح‌شده در هرکدام از ابعاد، دارای بیشترین تأثیر در زمینه کنترل مرز است. با توجه به همزمانی تحقیقات میدانی پژوهش حاضر با همه‌گیری شیوع ویروس کرونا در کشور ایران و افغانستان، امکان حضور فیزیکی برای تکمیل پرسشنامه‌ها از دسترس خارج و پرسش‌نامه به‌صورت الکترونیکی برای جامعه آماری پژوهش که ۱۳ نفر بوده‌اند ارسال گردید و درنهایت تعداد ۱۲ پاسخ دریافت گردیده است، در بخش بعدی به‌منظور تحلیل یافته‌های پرسش‌نامه از نرم‌افزار SPSS و PLS[1] استفاده شده است.

جدول ۲: نتایج آزمون پایایی

مقدار آلفا	تعداد گویه
۰,۸۵۲	۲۹

یافته‌های میدانی

سنجش تأثیر ابعاد کنترل مرز در منطقه مرزی خراسان رضوی با کشور افغانستان (T تک نمونه‌ای)

در این پژوهش برای آزمون T میانگین نمونه را با مقدار (۳) که مقدار متوسط در نظر گرفته شده است مورد مقایسه قرار می‌گیرد. چنانچه هر یک از شاخص‌های پژوهش کمتر از مقدار ۳ باشد و دارای اختلاف معنی‌دار با این مقدار تعیین‌شده باشد، نشان‌دهنده این موضوع است که آن بعد تأثیر کمتر از مقدار نرمال را بر روی کنترل مرز در منطقه موردمطالعه دارد. برای ارزیابی عوامل مؤثر بر کنترل مرز در منطقه مرزی استان خراسان رضوی با کشور افغانستان ٦ بعد جغرافیایی، جمعیتی، اجتماعی-فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی-امنیتی بهره گرفته شده است. برای بررسی میزان تأثیر هر یک از ابعاد بر کنترل مرز از آزمون One-Sample Test استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۳ آورده شده است.

جدول ۳: نتایج به‌دست‌آمده از آزمون T

ابعاد کنترل مرز	میانگین	Test value	T	سطح معنی‌داری
جغرافیایی	۴,۲		۲۰,۲۵	۰,۰۰۰
جمعیتی	۲,۳۴		۱۹,۴۱	۰,۰۰۰
اجتماعی - فرهنگی	۳,۰۹		۳۳,۷۸	۰,۰۰۰
سیاسی	۳,۸۷		۳۸,۲۲	۰,۰۰۰
اقتصادی	۳,۲۲	۳	۳۴,۵۷	۰,۰۰۰
نظامی - امنیتی	۳,٦۹		۳۵,۰۵	۰,۰۰۰
شاخص کل	۳,۵۵		۴۱,۰٦	۰,۰۰۰

همانگونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود شاخص کل به‌دست‌آمده (۳,۵۵) نشان از تأثیر مثبت کلیت ابعاد ذکرشده بر کنترل مرز در منطقه موردمطالعه دارد، به‌عبارت‌دیگر به‌صورت کلی بر اساس نظرات کارشناسان

۱. دلیل استفاده از این روش جوابدهی آن برای داده‌های کوچک و جامعه آماری نخبگان است.

پژوهش کلیه ابعاد ذکرشده و تشکیل یافته از متغیرهای مختلف با توجه به میانگین نظری پژوهش که عدد (۳) بوده است بر کنترل مرز بین خراسان رضوی و کشور افغانستان تأثیر مثبت داشته است. همچنین بر اساس آزمون T ابعاد جغرافیایی و سیاسی با میانگین ۴٫۲ و ۳٫۸۷ دارای بیشترین تأثیر و ابعاد اجتماعی و فرهنگی و جمعیتی به ترتیب با میانگین ۳٫۰۹ و ۲٫۳۴ کمترین تأثیر را بر روی کنترل مرز در منطقه موردبررسی داشته‌اند، به‌صورت کلی به‌جز بعد جمعیتی همه ابعاد موردبررسی به دلیل داشتن میانگین بالاتر از عدد ۳ دارای تأثیر مثبت بر روی کنترل مرز بوده‌اند. نتیجه به‌دست‌آمده نشان‌دهنده اهمیت بسیار زیاد متغیرهای جغرافیایی بر روی کنترل مرز است.

تعیین سهم ابعاد تأثیرگذار در کنترل مرز با استفاده از رگرسیون چند متغیره

یکی از پیش‌فرض‌های مهم رگرسیون خطی مربوط به توزیع پراکندگی داده‌های متغیرها می‌باشد که داده‌های متغیرهای پژوهش باید نرمال و یا نزدیک به نرمال باشند، برای حل این مسئله از آزمون شیپرو-ویلک استفاده می‌شود. نتایج حاصل از آزمون شیپرو-ویلک در جدول ۴ نشان می‌دهد توزیع داده-های پژوهش نرمال بوده و دارای تناسب آماری پارامتریک است. به‌گونه‌ای که سطح آماری این آزمون برای داده‌های پژوهش برابر با ۰٫۷۹۴ است.

جدول ۴: نتایج آزمون شیپرو-ویلک

مقدار آماری	سطح معنی‌داری	نتیجه
۰٫۷۹۴	۰٫۴۱	توزیع داده‌ها نرمال است

در آزمون رگرسیون مقدار R به ضریب همبستگی چندگانه معروف است، مقدار این همبستگی بین (۰) و (۱) متغیر است. هر چه مقدار این همبستگی به (۱) نزدیک‌تر باشد، نشان از همبستگی قوی بین متغیرهای مستقل و وابسته دارد. بر اساس جدول ۵ مقدار R معادل ۰٫۹۰۴ است که مقدار قابل‌قبول بالایی را نشان می‌دهد. R Square ضریب تعیین معرفه‌های پژوهش می‌باشد و مقدار آن نیز بین (۰) و (۱) است و هرچه به (۱) نزدیک‌تر باشد نشان از آن دارد که متغیرهای مستقل توانسته‌اند که میزان متغیر وابسته را تبیین کنند؛ از این‌رو، چون ضریب تعیین برابر با ۰٫۸۱۷ است، بیانگر آن است که تقریباً ۰٫۸۱۲ درصد از کل تغییرات کنترل مرز در منطقه مرزی موردمطالعه با ابعاد شش‌گانه پژوهش قابل تبیین است.

جدول ۵: خلاصه آماره مربوط به برازش مدل

ضریب تعیین	R Square	ضریب همبستگی (R)
۰٫۸۱۲	۰٫۸۱۷	۰٫۹۰۴

به‌منظور بررسی نیکویی برازش مدل رگرسیونی، از مقدار Sig ستون تحلیل واریانس استفاده شده است، همانگونه که در جدول ٦ نشان داده‌شده، این مقدار برابر با صفر است و با توجه به اینکه این مقدار کمتر از ۰٫۰۵ بوده، نتیجه به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که مدل رگرسیونی به‌کاررفته معنادار بوده و از سطح پیش‌بینی کننده مناسبی برای متغیر وابسته پژوهش یعنی کنترل مرز است.

جدول ۵: ضرایب رگرسیونی استانداردشده متغیرهای مستقل بر روی وابسته

ابعاد کنترل مرز	تحلیل واریانس (ANOVA) F	Sig	T	ضریب همبستگی (Beta)	سطح معنی‌داری
جغرافیایی			۹٫۴	۰٫۲۵۱	۰٫۰۰۰
جمعیتی			۸٫۵٦	۰٫۲۳۲	۰٫۰۰۰

اجتماعی-فرهنگی	٦٥٦,٢٢	٠,٠٠٠	١٠,١	٠,٢٩٣	٠,٠٠٠
سیاسی			١١,١	٠,٢٣٨	٠,٠٠٠
اقتصادی			١١,٧	٠,٢٦٦	٠,٠٠٠
نظامی-امنیتی			١٢,١	٠,٢٨۴	٠,٠٠٠

با توجه به این مسئله که در تحلیل رگرسیون، بیشتر مقیاس متغیرهای مستقل از ابعاد متفاوتی شکل گرفته، بنابراین ضریب رگرسیونی به محقق کمک می‌کند تا سهم نسبی هر متغیر مستقل را در تبیین تغییرات متغیر وابسته با در نظر گرفتن سایر متغیرهای مستقل معین کند. در آزمون رگرسیون هر چه مقدار ضریب بتای یک متغیر بیشتر باشد، اهمیت آن در پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته برجسته‌تر است. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از معنی‌داری ضرایب بتای متغیرهای مستقل پژوهش، می‌توان گفت که هر شش بعد در نظر گرفته شده برای تأثیر بر کنترل مرز، دارای نقش مثبت در کنترل مرز هستند. بر اساس ضرایب به‌دست‌آمده از ابعاد شش‌گانه (متغیرهای مستقل) سهم هرکدام از آن‌ها در کنترل مرز به ترتیب عبارت‌اند از بعد اجتماعی-فرهنگی با امتیاز ٢,٩٣، بعد نظامی-امنیتی با امتیاز ٠,٢٨۴، بعد اقتصادی با امتیاز ٠,٢٦٦، بعد جغرافیایی با امتیاز ٠,٢٥١، بعد سیاسی با امتیاز ٠,٢٣٨ و بعد جمعیتی با امتیاز ٠,٢٣٢ دارای بالاترین ضرایب بتا بوده‌اند. همچنین تحلیل ANOVA نشان‌دهنده آن است که آیا مدل رگرسیون به‌طور معنادار و مناسب تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی کند؟ که مطابق با نتایج جدول ۵ مقدار Sig به‌دست‌آمده کمتر از ٠,٠۵ می-باشد بر این اساس می‌توان بیان داشت که مدل به‌کاررفته، پیش‌بینی مناسبی برای متغیر کنترل مرز است.

سنجش میزان تأثیر متغیرهای ابعاد مختلف بر کنترل مرز در منطقه مرزی خراسان رضوی

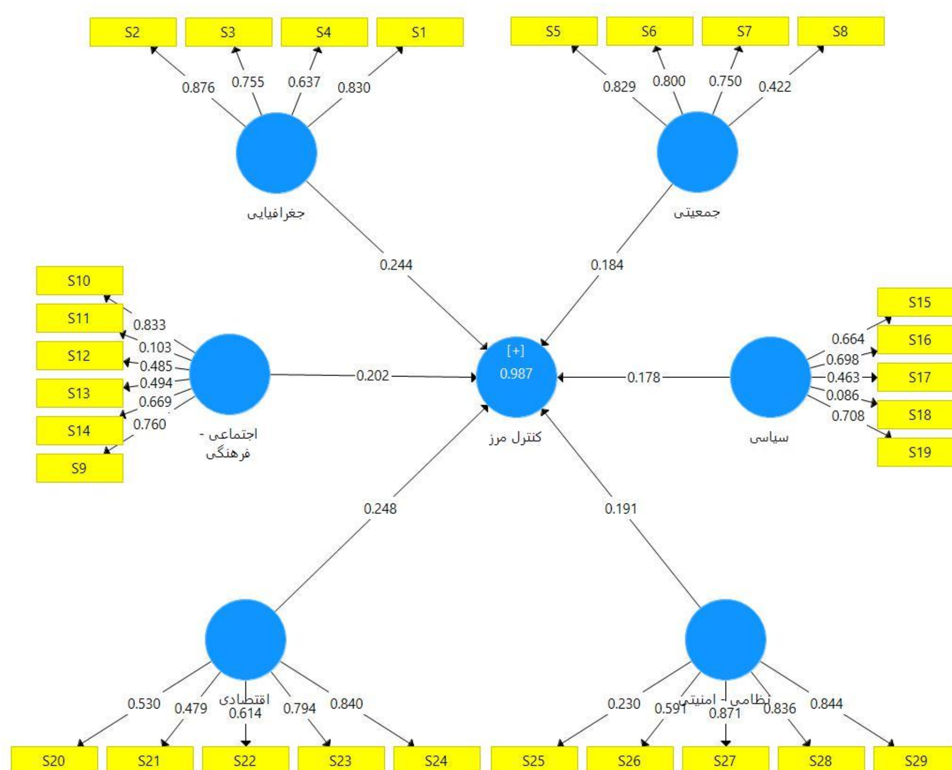
مدل مفهومی آزمون شده در حالت استاندارد یا الگوریتم PLS و ضریب مسیرها در شکل ٢ ارائه شده است. اعدادی که بر روی مسیر سازه‌ها با یکدیگر نشان داده شده است، ضریب مسیر نامیده می‌شود. این اعداد بیانگر بتای استانداردشده در رگرسیون یا ضریب همبستگی دو سازه است و برای بررسی میزان تأثیر مستقیم یک متغیر بر متغیر دیگر ارائه می‌شود. اعدادی که بر روی مسیر بین سازه‌ها و معرف‌ها نمایش داده می‌شود در مدل‌های انعکاسی بیانگر بار عاملی آن‌ها است. بر اساس شکل ٢ که وضعیت مدل اندازه‌گیری پژوهش در حالت استاندارد را نمایش می‌دهد، می‌توان تأثر هر یک از متغیرهای مستقل که همان ابعاد شش‌گانه کنترل مرز در این پژوهش هستند را بر متغیر وابسته که کنترل مرز است، سنجید و میزان تأثیر هر یک از متغیرهای موجود در ابعاد را که بار عاملی آن‌ها است نیز نشان داد (جدول ٦). نتایج جدول ٦ نشان می‌دهد که در میان متغیرهای ابعاد جغرافیایی مؤثر بر کنترل مرز متغیر وضعیت توپوگرافی منطقه مرزی با ضریب عاملی ٠,٨٧٦ در جایگاه نخست قرار دارد و میزان فاصله منطقه مرزی از مرکز استان با ضریب عاملی ٠,٨٣٠ در جایگاه دوم از میزان تأثیر بر بعد جغرافیایی کنترل مرز قرار گرفته است. در این بخش متغیر عدالت فضایی با امتیاز ٠,٦٣٧ در جایگاه چهارم و آخر قرار واقع شده است. در بین متغیرهای ابعاد جمعیتی مؤثر در کنترل مرز بر اساس نتایج جدول ٦، مهم‌ترین متغیر در این زمینه تعداد (کمیت) جمعیت با ضریب عاملی ٠٨٢٩ بوده، همچنین متغیر نحوه توزیع و پراکنش جمعیت در منطقه مرزی با ضریب عاملی ٠,٨٠٠ در جایگاه دوم از رتبه‌بندی اهمیت در متغیرهای جمعیتی مؤثر در کنترل مرز جای گرفته است. در این بعد متغیر سطح سواد با مقدار ضریب عاملی ٠,۴٢٢ از اهمیت کمی بر روی کنترل مرز برخوردار بوده است. نتایج بعد اجتماعی-فرهنگی با شش متغیر که بیشترین تعداد متغیر را در بین ابعاد مؤثر بر کنترل مرز به خود اختصاص داده، متغیر پیوستگی فرهنگی دو سوی مرز نسبت به هم با ضریب عاملی ٠,٨٣٣ دارای بالاترین اهمیت و تأثیر بر نحوه کنترل مرز در بعد اجتماعی-فرهنگی بوده است. متغیر بعدی تأثیرگذار بر بعد اجتماعی – فرهنگی مؤثر در کنترل مرز خراسان رضوی با کشور افغانستان پیوستگی فرهنگی دو سوی مرز با مناطق مرکزی خود بوده که دارای امتیاز عاملی ٠,٦٩٩ است. متغیر تعصبات قومی با امتیاز ٠,١٠٣ از

اهمیت نازل‌تری در کنترل مرز بر اساس نظرات نخبگان در محدوده موردمطالعه داشته است. از میان ۵ متغیر بررسی‌شده بعد سیاسی مؤثر در کنترل مرز در استان خراسان رضوی با کشور افغانستان مهم‌ترین متغیر را نخبگان سیاسی موجود در منطقه مرزی با امتیاز ۰,۷۰۸ داشته است، در رده بعدی نیز سطح بازیگری و نقش‌آفرینی جوامع محلی در مناطق مرزی با امتیاز ۰,۶۹۸ قرار گرفته است، در این بعد متغیر آرمان استقلال‌طلبی با ضریب عاملی بسیار پایین ۰,۰۸۶ از اهمیت کمتری در سیستم و نحوه کنترل مرز منطقه موردمطالعه بر اساس یافته‌های پرسشنامه نخبگان برخوردار بوده است. در بعد اقتصادی از میان متغیرهای احصاء شده آن دو متغیر سطح توسعه منطقه مرزی با ضریب عاملی ۰,۸۴۰ و تجارت مرزی و منافع مشترک دو سوی مرز با امتیاز مستقیم و ضریب عاملی ۰,۷۹۴ به ترتیب پراهمیت‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر کنترل مرز در بعد اقتصادی مرتبط با منطقه مرزی استان خراسان رضوی با کشور افغانستان بوده‌اند، در این بخش همچنین سطح دسترسی به خدمات و امکانات با ضریب عاملی و امتیاز ۰,۴۷۹ در جایگاه پنج قرار گرفت و درنهایت از میان متغیرهای موردبررسی در بعد نظامی و امنیتی متغیرهای مسئله تروریسم با ضریب عاملی ۰,۸۸۴ در رده نخست و متغیر آمایش مناطق مرزی نیز با ضریب عاملی ۰,۸۷۱ در جایگاه دوم قرار گرفته است. در این بخش شیوه فعلی کنترل مرزها با امتیاز عاملی ۰,۲۳۰ در جایگاه آخر و پنجم از سطح تأثیرگذاری بر کنترل مرز منطقه مرزی موردبررسی در بخش نظامی و امنیتی جای داشته است. نتایج شکل ۳ و ۴ نیز مؤید آن هستند که در میان ابعاد شش‌گانه مؤثر بر کنترل مرزها در منطقه موردمطالعه، مهم‌ترین ابعاد به ترتیب امتیازی که از ضریب مسیر به دست آورده‌اند عبارت‌اند از: ۱. بعد اقتصادی با ضریب مسیر ۰,۲۴۸. ۲. بعد جغرافیایی با ضریب مسیر ۰,۲۴۴. ۳. بعد اجتماعی-فرهنگی با ضریب مسیر ۰,۲۰۲. ۴. بعد نظامی-امنیتی با ضریب مسیر ۰,۱۹۱. ۵. بعد جمعیت با ضریب مسیر ۰,۱۸۴. ۶. بعد سیاسی با ضریب مسیر ۰,۱۷۸ دارای بیشترین تأثیرات بر کنترل مرز در مناطق مرزی خراسان رضوی با کشور افغانستان بوده‌اند.

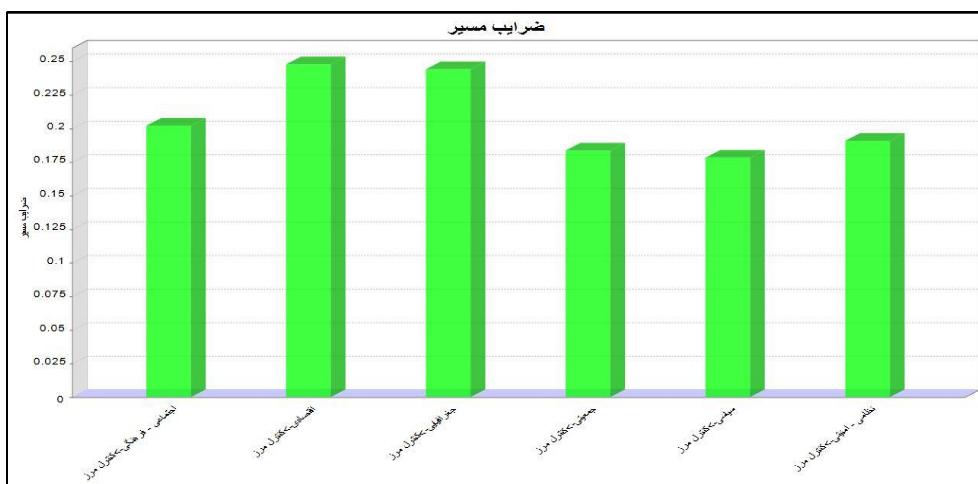
جدول ٦: ضریب عاملی متغیرهای ابعاد مختلف کنترل مرز

مؤلفه	نام اختصاری	متغیر	ضریب عاملی
جغرافیایی	S1	فاصله از مرکز	۰,۸۳۰
	S2	وضعیت توپوگرافی منطقه مرزی	۰,۸۷٦
	S3	پیوستگی طبیعی دو سوی مرز	۰,۷۵۵
	S4	عدالت فضائی	۰,٦۳۷
جمعیتی	S5	تعداد جمعیت	۰,۸۲۹
	S6	پراکنش جمعیت در منطقه مرزی	۰,۸۰۰
	S7	ساختار سنی جمعیت	۰,۷۵۰
	S8	سطح سواد در منطقه مرزی	۰,۴۲۲
اجتماعی-فرهنگی	S9	سرمایه انسانی	۰,۷٦۰
	S10	پیوستگی فرهنگی دو سوی مرز نسبت به هم	۰,۸۳۳
	S11	تعصبات قومی	۰,۱۰۳
	S12	ساختار اجتماعی	۰,۴۵۸
	S13	پیوندهای زبانی و مذهبی	۰,۴۹۴
	S14	پیوستگی فرهنگی دو سوی مرز با مرکز	۰,٦۹۹
سیاسی	S15	تبعیضات سیاسی	۰,٦۴۴
	S16	سطح بازیگری و نقش‌آفرینی	۰,٦۹۸
	S17	ثبات سیاسی	۰,۴٦۳
	S18	آرمان استقلال‌طلبی	۰,۰۸٦

	S19	نخبگان سیاسی	۰,۷۰۸
اقتصادی	S20	وضعیت معیشتی	۰,۵۳۰
	S21	دسترسی به امکانات و خدمات	۰,۴۷۹
	S22	اشتغال	۰,۶۱۴
	S23	تجارت و منافع مشترک	۰,۷۹۴
	S24	سطح توسعه منطقه مرزی	۰,۸۴۰
نظامی-امنیتی	S25	شیوه فعلی کنترل مرزها	۰,۲۳۰
	S26	نیروهای فرامرزی	۰,۵۹۱
	S27	آمایش مناطق مرزی	۰,۸۷۱
	S28	تراکم تهدید	۰,۸۳۶
	S29	تروریسم	۰,۸۸۴



شکل ۳: مدل اندازه‌گیری پژوهش در حالت استاندارد

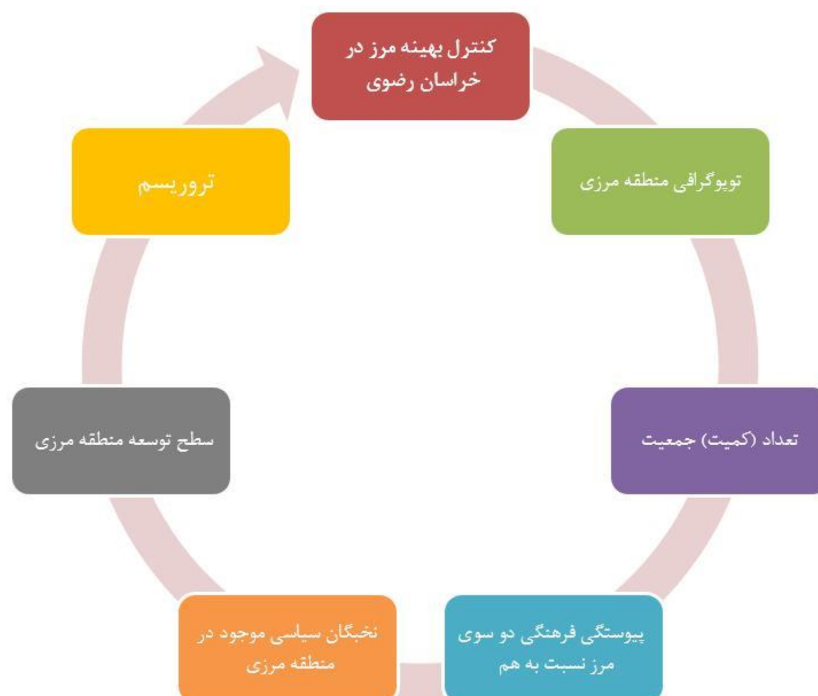


شکل ۴: نمودار ضرایب مسیر ابعاد مؤثر بر کنترل مرز

نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از یافته‌های کتابخانه‌ای ابعاد مؤثر در کنترل مرزها در شش بعد (جغرافیایی، جمعیتی، اجتماعی-فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی-امنیتی) و ۲۹ متغیر دسته‌بندی شدند و به‌منظور بررسی تأثیر هریک از این ابعاد و متغیرها بر کنترل مرز در استان خراسان رضوی با کشور افغانستان پرسشنامه‌ای در قالب ابعاد شش و متغیرهای ۲۹ گانه سازماندهی شد و در میان جامعه آماری پژوهش که شامل نخبگان آشنا با کنترل مرز در رشته‌های جغرافیای سیاسی و علوم سیاسی و نیز مرزبانان توزیع گردید، نتایج یافته‌های میدانی در بخش آزمون T نشان داد که شاخص کلی کنترل مرز بر اساس ابعاد شکل‌گرفته با امتیاز میانگین ۳,۵۵ نشان از تأثیر مثبت ابعاد مطرح‌شده بر کنترل مرز در محدوده موردبررسی داشت. از سوی دیگر در میان ابعاد نیز دو بعد جغرافیایی با امتیاز میانگین ۴,۲ و جمعیتی با میانگین ۲,۳۴ در رده‌های اول و پنجم تأثیرگذار بر کنترل مرز قرار گرفتند. نتایج آزمون رگرسیون نیز نشان‌دهنده اهمیت بیشتر بعد اجتماعی-فرهنگی در کنترل مرز با امتیاز بتای ۰,۲۹۳ داشته است. در بخش یافته‌های مرتبط با روش حداقل مربعات جزئی (PLS) نشان داد که ضرایب مسیر برای ابعاد اقتصادی و اجتماعی به ترتیب با امتیازهای ۰,۲۴۸ و ۰,۲۴۴ بیشترین مقدار همبستگی و برای ابعاد جمعیتی و سیاسی به ترتیب با امتیازهای ۰,۱۷۸ و ۰,۱۹۱ کمترین مقدار همبستگی را با کنترل مرز داشته‌اند. در میان متغیرهای ابعاد جغرافیایی مؤثر بر کنترل مرز متغیر وضعیت توپوگرافی منطقه مرزی با ضریب عاملی ۰,۸۷۶، در بین متغیرهای ابعاد جمعیتی مؤثر در کنترل مرز بر اساس تعداد (کمیت) جمعیت با ضریب عاملی ۰۸۲۹ بوده، بعد اجتماعی-فرهنگی متغیر پیوستگی فرهنگی دو سوی مرز نسبت به هم با ضریب عاملی ۰,۸۳۳، بعد سیاسی مهم‌ترین متغیر را نخبگان سیاسی موجود در منطقه مرزی با امتیاز ۰,۷۰۸ داشته است. در بعد اقتصادی متغیر سطح توسعه منطقه مرزی با ضریب عاملی ۰,۸۴۰ و در میان متغیرهای موردبررسی در بعد نظامی و امنیتی متغیر تروریسم با ضریب عاملی ۰,۸۸۴ در رده نخست قرار گرفته است. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که در مسئله کنترل مرز وضعیت جغرافیایی مرز همانند نوع توپوگرافی و پیوستگی طبیعی تأثیر بسزایی در سازوکار کنترل مرز دارد. از این‌رو، وضعیت طبیعت منطقه مرزی بر کم و کیف کنترل مرز تأثیرگذار است. در مسئله کنترل مرز بر اساس نتایج توجه به بعد سیاسی منطقه مرزی در رده دوم از سطح اهمیت قرار داشته است. در این بین مسائلی همچون سطح بازیگری و نقش‌آفرینی جوامع محلی و سطح تبعیضات سیاسی بین مناطق مرزی و مناطق مرکزی تأثیر بسیار زیادی بر کیفیت و کاهش هزینه‌های کنترل مرز دارد. به‌عبارت‌دیگر، هراندازه که به جوامع محلی و نخبگان سیاسی موجود در آن‌ها توجه و نیز از مقدار تبعیضات سیاسی نسبت به این مناطق کاسته شود، کنترل مرز در این مناطق کیفیت مناسب‌تری خواهد داشت و هزینه‌های سرسام‌آور ناشی از حضور نیروهای نظامی و امنیتی را کاهش خواهد داد. مسئله بعدی که باید موردتوجه قرار گیرد، بحث تروریسم و کنترل مناسب مرزها برای حفظ امنیت منطقه مرزی و به‌تبع آن کل استان است. در این زمینه

با توجه به بی‌ثباتی سیاسی موجود در کشور افغانستان و حضور مجدد نیروهای شبه‌نظامی طالبان در مناطق مرزی با ایران اهمیت کنترل مرزها را در استان خراسان رضوی دارای حساسیت بیشتری می‌کند.



شکل ۵: مدل مفهومی عوامل مؤثر بر کنترل بهینه مرز در مناطق مرزی خراسان رضوی

فهرست منابع

۱. بهرامی‌جاف ساجد؛ و همکاران. (۱٤۰۰). «اولویت‌بندی راهبردهای توسعه گردشگری در مناطق مرزی (نمونه موردی: شهرستان پاوه)». ***برنامه‌ریزی و آمایش فضا***. (شماره ۲۵)، ٦۲-۳۵.

۲. بهرامی‌جاف، ساجد؛ و همکاران. (۱۳۹۹). «سنجش عوامل مؤثر بر پایداری اقتصادی شهرهای مرزی (مطالعه موردی: شهر سردشت)». ***جغرافیا و توسعه فضای شهری***. (شماره ۷)، ۲۱-۱.

۳. بهرامی‌جاف، ساجد؛ و همکاران. (۱۳۹۹). «تأثیر بازارچه‌های مرزی در توسعه و رفاه مناطق مرزنشین (نمونه موردی: بازارچه مرزی شوشمی نوسود)». ***پژوهش‌های جغرافیای سیاسی***. (شماره ۵)، ۷۴-۹٦.

۴. پیشگاهی‌فرد، زهرا؛ و مریم امیدی‌آوج. (۱۳۸۸). «ارتباط بین پراکندگی اقوام ایرانی و امنیت مرزها». ***ژئوپلیتیک***. (شماره ۱)، ۷۱-۴۸.

۵. جان‌پرور، محسن. (۱۳۹۱). «تبیین الگوی مدیریت مرزهای سرزمینی (موردپژوهی: مرزهای دریایی ایران در خلیج‌فارس)». ***رساله دکتری***. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

٦. جان‌پرور، محسن. (۱۳۹٦). «عوامل مؤثر بر سامان‌دهی ساکنان مرزی جهت کنترل مرزها (مورد مرزهای جمهوری اسلامی ایران با ترکمنستان در محدوده خراسان شمالی)». ***جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای***. (شماره ۲)، ۱۱۸-۹۵.

۷. جان‌پرور، محسن. (۱۳۹٦). ***نگرشی نو به مطالعات مرزی (مفاهیم، اصول و نظریه‌ها)***. تهران: انجمن ژئوپلیتیک ایران.

۸. جان‌پرور، محسن؛ و همکاران. (۱۴۰۰). «فراتحلیل کیفی روش و نتایج پژوهش‌های مرتبط با بازارچه‌های مرزی در ایران». ***جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای***. (شماره ۱۹).

۹. جان‌پرور، محسن؛ و همکاران. (۱۴۰۰). «عوامل مؤثر بر استمرار کولبری در روستاهای مرزی پاوه با رویکرد سناریونگاری». ***پژوهش‌های جغرافیای انسانی***. (شماره ۳)، ۱۱۴۲-۱۱۲۱.

۱۰. جان‌پرور، محسن؛ و محمدحسین افشردی. (۱۳۹۲). ***تبیین الگوی مدیریت مرزهای سرزمینی (موردپژوهی: مرزهای دریایی ایران در خلیج‌فارس)***. تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.

۱۱. حافظ‌نیا، محمدرضا؛ و محسن جان‌پرور. (۱۳۹۲). ***مرزها و جهانی‌شدن (با نگاهی کوتاه به مرزهای ایران)***. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۱۲. زرقانی، سید هادی؛ و همکاران. (۱۳۹۳). «تحلیل نقش بازارچه مرزی ماهیرود در توسعه فضایی-کالبدی منطقه مرزی با تأکید بر عامل مهاجرت و کاهش محرومیت». ***جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای***. (شماره ۲۳)، ۱۹۵-۱۷۵.

۱۳. موير، ریچارد. (۱۳۹۲). ***درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی***. ترجمه دره میرحیدر با همکاری سید یحیی صفوی. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

۱۴. میرحیدر، دره؛ و همکاران. (۱۳۹۸). ***مبانی جغرافیای سیاسی***. تهران: سمت.

۱۵. نیومن، پیتر؛ و اندی تورنلی. (۱۳۸۷). ***برنامه‌ریزی در اروپا: رقابت بین‌المللی، نظام‌های ملی و طرح‌های برنامه‌ریزی شهری***، ترجمه عارف اقوامی مقدم. تهران: آذرخش.

۱۶. هاگت، پیتر. (۱۳۹۲). ***جغرافیا ترکیبی نو***. ترجمه شاپور گودرزی‌نژاد. ج۱. تهران: سمت.

17. Chen, X. (2006). "Beyond the reach of globalization: China's border regions and cities in transition". ***Globalization and the Chinese City***. edited by Fulong Wu. London: Routledge.

18. Glassner, M; and C. Fahrer. (2004). *Political Geography*. USA: john Wiley and Sons.

19. Heinesson, P. (2009). "Accreditation and Border Management". Retrieved from admin.kghcustoms.com/ upload/ sites/ 1/ files/ KGH%20 Border%20 Services%20 webb.pdf.

20. Janparvar, M (2017). ***A new approach to cross-border studies (concepts, principles, theories)***. Iran Geopolitical Association Publications, Tehran. [In Persian].

21. Janparvar, M. (2021). "Control and maintenance of borders due to the expansion of the Kurdish ethnic group on both sides of the Iranian-Iraqi border". ***GeoJournal***. https://doi.org/10.1007/s10708-021-10492-5.

22. Janparvar, M.. (2021). "Analysis of kulbari's economic position in the northwest border villages of Iran (a study of paveh border villages)". *GeoJournal*. https://doi.org/10.1007/s10708-021-10428-z.

23. Perescott. J,V. (1987). ***Political Frontiers and Boundaries***. London: Unwin hyman ltd.

24. Rumely, Dennis; and Julian Minghi. (1991). ***The geography of Border Landscapes***. London By Routledge.

25. Troebst, S (2010). "Border Theories in Early Modern Europe". ***Eingeordnet unter***. (vol 13), 3-12.